

بدرقه «حکمت»

به مادر «منصور» و همسرش «آذر ماجدی»

صدایت آبشار شیرتازه
حباب هایش از آسمان آبی
درد زایمان مادر در دهانت
زبانَت و تَنگِ کیهان

نگاهت باغ رسیده
ابر مژده آسمانی دیگر
می بارد میوه از چشمانت

دستم صدای تنهایی
جشن سایه ای غمگین
برفرشِ رقص

شعرم لالائی تو
مرگت خواب من

حسین شرنگ
تابستان دوهزار و دو
کندو. مونره آل